

غیرت مندی از منظر نبوی

<?xml encoding="UTF-8">

در تدوین این مقاله از منابع مختلف، به ویژه کتاب «غیرتمندی و آسیبها» اثر جناب آقای محمود اکبری استفاده شده است.

غیرت چیست؟

غیرت در لغت، به معنای نفرت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه اش است. 1 به عبارت دیگر، غیرت به معنای دفاع از چیزی محبوب در برابر هرگونه دستبرد و تجاوز است. سرچشمه این واکنش انسان، ممکن است حمیت، تعصب و تغیر باشد.

در تعریف اصطلاحی غیرت، اختلاف چندان بی‌نخبگان علم اخلاق وجود ندارد. آنچه در زیر می‌آید، برخی از همین تعاریف عالمان علم اخلاق است:

ملا احمد نراقی می‌گوید: «غیرت از شرایف ملکات و فضایل صفاتی است که آدمی نگاهبانی کند دین خود را و عِرض خود و اولاد و اموال خود را، و از برای محافظت و نگاهبانی هریک، طریقه ای است که صاحب غیرت و حمیت، از آن تجاوز نمی‌کند». 2.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گفته است: «غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدّساتش - اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن - تجاوز کرده، از جای خود می‌کند. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی‌بهره نیست. پس غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که بر اساس فطرت تشریع شده و آن امور فطری را تعدیل می‌کند. آن تعدادش را که در حیات بشر لازم و ضروری است، معتبر و واجب می‌سازد و آنچه غیر ضروری است، حذف نموده، از اعتبار می‌اندازد». 3.

آن عالم وارسته در جای دیگر می‌نویسد: «اولاً، اسلام مسئله غیرت و تعصب را باطل معرفی نکرده، بلکه اصل آن را حفظ نموده؛ زیرا غیرت ریشه در فطرت انسان دارد و اسلام هم دین فطرت است؛ ولی در جزئیات آن، دخالت کرده و فرموده است: آن قدر از غیرت و تعصب که مطابق با فطرت است، حقّ، و شاخ و برگ که اقوام به آن داده اند، باطل است.

ثانیاً، همین ودیعه فطری - یعنی غیرت - را از هر سویی به سوی خدای متعال برگردانیده و سپس موارد بسیاری را در یک قالب که همان توحید می‌باشد، ریخته است. به عبارت واضح تر، هرجا که تعصب ورزیدن خدایسندانه باشد، باید تعصب ورزید و هرجا که موجب خشنودی خدا نباشد، نباید غیرت ورزید». 4.

شهید مطهری در توضیح سخن علی علیه السلام که فرمود: «انسان شریف و غیور، هرگز زنا نمی‌کند»، 5 می‌نویسد: «غیرت یک شرافت انسانی و یک حساسیت انسانی نسبت به پاکی و طهارت جامعه است». 6.

وی در جای دیگر در پاسخ به اعتراض کنندگان به غیرت می‌نویسد: «پیشنهاد اینکه انسان به عنوان مبارزه با خودخواهی، غیرت را کنار بگذارد، درست مثل این است که پیشنهاد شود غریزه علاقه به فرزند - به طور کلی

مطلق حسّ ترحم و عاطفه انسانی - را به عنوان اینکه یک میل انسانی است، ریشه کن نماییم؛ در صورتی که این [غیرت] یک میل نفسانی در درجات پایین حیوانی نیست؛ بلکه یک احساس عالی بشری است».⁷ از آنچه گذشت، به دست می آید که غیرت به معنای نگاه مسئولانه و نگهبانی آگاهانه از حریم دین، خانواده، قانون و کشور است.

ریشه غیرت

در مورد ریشه غیرت نیز دیدگاه های مختلفی وجود دارد: حضرت علی علیه السلام ریشه غیرت را شجاعت⁸، ملا احمد نراقی شجاعت و قوّت نفس⁹، علامه طباطبایی فطرت¹⁰، و شهید مطهری احساس و عاطفه بشری¹¹ می دانند.

غیرتمندترین رسول الهی

با نگاه به تاریخ بشریت، به خیل عظیم غیرتمندانی بر می خوریم که در رأس آنان سلسله انبیای الهی و امامان معصوم: قرار دارند. بدون تردید غیرت پیامبران خدا پرتوی از غیرت الهی است که در میان جوامع انسانی به ثمر نشسته است. آن گاه نوبت به انسان های پاک، مؤمن و فرهیخته ای می رسد که از آغاز تاریخ تاکنون در صف غیرتمندان جای گرفته و در این مسیر خطرزا، ایفای وظیفه و ادای مسئولیت کرده اند.

این نوشتار از میان این سلسله به غیرتمندی آخرین پیامبر الهی، می پردازد.

اندازه غیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله چقدر بود؟ این سؤالی است که پاسخ آن در کلمات گهربار خود رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است. آن حضرت در وصف غیرتش فرمود: «كَانَ أَبِي اِبْرَاهِيمَ غَيُورًا، وَ اَنَا اَغْيَرُ مِنْهُ ...؛ پدرم ابراهیم خلیل بسیار غیرتمند بود و من از او غیرتمندتر هستم...».¹²

برجسته ترین شاگرد پیامبر؛ یعنی علی علیه السلام نیز در وصف غیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «كَانَ النَّبِيُّ لَا يَغْضَبُ لِلدُّنْيَا، فَإِذَا أَغْضَبَهُ الْحَقُّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَقُمْ لِغَضَبِهِ شَيْءٌ حَتَّى يَنْتَصِرَ لَهُ»¹³؛ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله چنان بود که هیچ گاه برای امور دنیوی خشمگین نمی شد، ولی اگر به خاطر حق به خشم می آمد، هیچ کس او را نمی شناخت و هیچ چیز او را آرام نمی کرد تا داد آن را بستانند.

با کمترین تأمل در تاریخ اسلام و نگاه گذرا به حیات پربار آن بزرگوار، میزان و ابعاد دیگری از غیرتمندی و غیرت ورزی پیامبر صلی الله علیه و آله روشن می شود. در ذیل، چند برگ از تاریخ زرّین آن حضرت را می خوانیم:

1. غیرت، دلیل رهایی از اسارت

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: جمعی از اسیران دشمن را به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند. آن حضرت بنا به صلاح و مصلحت، دستور اعدام آنها را صادر کرد؛ ولی از آن جمع، یکی از آنان را آزاد کرد.

وی که از رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله به شگفت آمده بود، پرسید: چرا مرا آزاد کردی؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من خبر داد که تو دارای پنج خصلت هستی که خدا و رسولش، آنها را دوست دارند. آن خصلت های پنج گانه عبارتند از: 1. غیرتمندی برای همسر و خانواده؛ 2. سخاوت؛ 3. نیک خلقی؛ 4. راستگویی؛ 5. شجاعت.

وقتی که آن اسیر این مطلب را شنید، به حقانیت دین پیامبر صلی الله علیه و آله یقین کرد و اسلام آورد و با

تلاش و ایثار توانست خود را به مراتب بالای ایمان برساند. او سرانجام، در یکی از جنگ ها در رکاب پیامبر اسلام شهد شهادت نوشید.14

2. غیرت، عامل حضور در پیمان حلف الفضول

شرکت و حضور آن رسول غیرتمند در اوان جوانی در پیمان «حلف الفضول» - که یک پیمان دفاعی مربوط به زمان جاهلیت بود - نیز نشانگر غیرت دینی و اجتماعی آن حضرت است. این پیمان برای دفاع از مظلومان جامعه منعقد شد. علت پیدایش این پیمان آن است که 20 سال قبل از بعثت، مردی وارد مکه شد. در دستش متاعی بود که قصد فروش آن را داشت. فرد زورگو و ستمگری به نام «عاص بن وائل» آن را خرید، ولی پولش را نپرداخت. مشاجره بین آن دو بالا گرفت و ناله مرد مالباخته بلند شد. از همان لحظه، جمعی از جوانان غیرتمند شهر با دیدن این حادثه تلخ، پیمان بستند تا حقوق مظلومان را از ستمگران بستانند. یکی از آن جوانان غیرتمند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود.15

3. غیرت، منشأ غزوه بنی قینقاع

تاریخ اسلام و دفتر زندگانی پربار رسول اکرم صلی الله علیه و آله از صحنه های غیرت و غیرت ورزی آن حضرت و سایر مسلمانان آکنده است. یکی از این صحنه ها، غزوه بنی قینقاع است. «قینقاع»، نام طایفه ای از یهودیانی است که در مدینه زندگی می کردند.

یک روز، بانوی مسلمانی در بازار بنی قینقاع نشسته بود. یک یهودی پایین پیراهن وی را بدون اینکه متوجه شود، به بالا سنجاق کرد. وقتی آن زن برخاست، قسمتی از بدنش آشکار شد. یهودیان حاضر با خنده های خود به مسخره کردن آن زن مسلمان پرداختند. فریاد آن زن مسلمان بلند شد. از آنجا که این کار، نوعی تحقیر و دهن کجی به عفت مسلمانان محسوب می شد، یکی از مسلمانان غیرتمند، به آن یهودی حمله کرد و او را کشت. یهودیان حاضر نیز به آن مرد مسلمان هجوم بردند و او را به شهادت رساندند. این، آغاز بروز جنگ «بنی قینقاع» شد.16

4. غیرت، عامل تبعید ستمگران

حکم ابن ابی العاص (پدر مروان و عموی عثمان) بعد از فتح مکه، به ظاهر مسلمان شد. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله، در یکی از حجره هایش با حضرت علی علیه السلام نشسته بود. حکم از شکاف در به داخل آن حجره می نگریست و دزدانه به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر افراد داخل حجره گوش می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله که متوجه شده بود، به حضرت امیر7 فرمود: برو او را بیاور. آن حضرت بیرون آمد و گوش حکم را مثل بز گرفت و کشید و او را به داخل برد. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از لعنت کردن حکم، او را به طائف تبعید کرد. او در عصر خلیفه اول و دوم نیز در تبعید بود، ولی در زمان خلیفه سوم و با وساطت وی به مدینه بازگشت.17

ایمان، نشانه غیرتمندی

از منظر رسول خدا، 9، «ایمان» مهم ترین و برجسته ترین علامت و نشانه غیرتمندی است. آن حضرت در کلام کوتاه و پرمعنایی به این مطلب چنین اشاره کرده است: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛ همانا غیرت از ایمان است». 18 و نیز در جای دیگر فرمود: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْبُذَاءُ مِنَ النِّفَاقِ؛ غیرت، نشانه ایمان، و فحاشی و بد دهنی، علامت نفاق است». 19

در اسلام، اولین گام ایمان است. اولین سخنی که یک تازه مسلمان باید بر زبان جاری کند، سخنی در باب ایمان و پذیرش دین مبین اسلام است. از نزدیکی و قرابت میان ایمان و غیرت، می توان به اهمیت غیرت و غیرت ورزی نیز پی برد. مؤمن غیرتمند، مایه عزّت و افتخار است. علاوه بر اینکه این گونه افراد را دیگران دوست دارند، خدای متعال نیز دوست دارد. در این مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْغَيُورُ؛ به راستی که خدای متعال از میان بندگان، غیرتمندان را دوست دارد». 20

شناخت غیرتمندان

انسان های غیور با افراد بی تفاوت و بی درد و آسایش طلب، تفاوت هایی دارند. با توجه به ویژگی هایی، می توان آنها را از یکدیگر تفکیک و جدا کرد. غیرتمندان در مقابل بدعت ها و گناهان حسّاسیت دارند. در سرپوش نهادن انحرافات و کج روی ها - به ویژه انحرافات دینی و ناموسی - اهل گذشت، معامله و مسامحه نیستند و برای خنثی سازی بدعت بدعتگزاران همواره می کوشند؛ ولی بی غیرتان بی درد، در چنین مواردی خودشان را به درد سر نمی اندازند و به سادگی از کنار بدعت ها می گذرند و برای توجیه رفتار خود، عبارت ناصحیح «عیسی به دین خود و موسی به دین خود» را به کار می برند. رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالف این نوع فکر و اندیشه است و هر نوع تأیید گناهکاران را مدد رسانی در جهت نابودی دین بر می شمارد. در این مورد، امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل کرده است: «مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ مُبْتَدِعٍ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ دِينِهِ؛ کسی که به صورت فرد بدعتگزار تبسم کند، به نابودی و تباهی دینش کمک کرده است». 21

اقسام غیرت

حال که از منظر رسول اعظم 9، با چهره غیرتمندان آشنا شدیم، مناسب است که به اقسام غیرت نیز اشاره کنیم.

1. غیرت ناموسی

یکی از مهم ترین وظایف انسان های غیرتمند، محافظت و مراقبت از ناموس و حریم خانواده است. به عبارت دیگر، یکی از مهم ترین چیزهایی که منجر به تباهی و آسیب دیدن ناموس افراد می شود، حضور نابجای زنان و دختران در کوچه ها و خیابان هاست. هرچند امروزه این پدیده، «تساوی حقوق زن و مرد» نامیده می شود و مخالفت با آن جرم است، اما این حقیقتی انکارناپذیر است که حضور غیر ضروری زنان و دختران، آن هم با پوشش نامناسب، در انظار عمومی، سبب گمراهی و انحراف خود و دیگران، و در نتیجه موجب عذاب اخروی می شود. به عبارت دیگر، هر گام آنان همانند تیر سهمگین و زهرآلودی است که بر قلب افراد جامعه نشانه می رود.

2. غیرت و تعصّب دینی

در جمله ای کوتاه، غیرت و تعصّب دینی به این معنا است که انسان، دین و دیانت را به عنوان چیزی محبوب و مورد علاقه خود به حساب آورد و آن گاه از حریم آن دفاع کند و در مقابل حرمت شکنان و متجاوزان به آن بایستد. به عبارت دیگر، تا غیرت دینی نباشد، نه امر به معروف و نهی از منکر معنا می یابد و نه دفاع از دین، حفظ حدود الهی، محافظت از حلال، دوری از حرام، مبارزه با گناه و بدعت و... مفهوم پیدا می کنند. با توجه به این نکته اساسی است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «... فَإِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ، وَ إِذَا نَزَلَتْ نَازِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ وَالْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ»²²؛ آن گاه که حادثه ای پیش آمد، اموالتان را سپر جانتان قرار دهید و در حفظ آن بکوشید؛ اما اگر حادثه ای پیش آمد که دینتان در معرض خطر قرار گرفت، جانتان را فدای دینتان سازید؛ زیرا کسی که دینش از بین برود، نابود است. و غارت زده کسی است که دینش به غارت برود».

و نیز آن امام همام، رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان الگوی «غیرت دینی معرفی نموده، می فرماید: «كَانَ النَّبِيُّ لَا يَغْضِبُ لِلدُّنْيَا، فَإِذَا أَعْصَبَهُ الْحَقُّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ، وَ لَمْ يَقُمْ لَغَضَبِهِ شَيْءٌ حَتَّى يَنْتَصِرَ»²³؛ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله چنان بود که هیچ گاه برای امور دنیایی خشم نمی کرد، اما اگر برای حق خشم می کرد، کسی او را نمی شناخت و چیزی او را آرام نمی کرد».

نیز آن حضرت بعد از نکوهش و باطل دانستن تعصبات ضدّ ارزشی، تنها تعصّب دینی را می ستاید: «إِنْ كُنْتُمْ لَا مُحَالَةً مُتَعَصِّبِينَ، فَتَعَصَّبُوا لِلْصِّرَةِ الْحَقِّ وَ إِغَاثَةِ الْمَلْهُوفِ»²⁴؛ اگر از تعصّب ورزیدن ناگزیرید، پس در یاری کردن حق و دادخواهی از ستمدیده، تعصّب ورزید».

نیز آن حضرت، ارزش و جایگاه غیرت دینی را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه بیان می کرد: «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ أَنْ نُلْقِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ»²⁵؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را مأمور ساخت که با روی گرفته و خشمگین با اهل معصیت برخورد کنیم».

اکنون که غیرت و تعصّب دینی؛ یعنی سکوت نکردن در مقابل گناهان، این همه ارزش دارد، پس زیبنده است که در برابر ارتکاب گناهان سکوت نکنیم؛ زیرا «مقتضای غیرت دینی است که در حفظ آن از بدعت های بدعتگزاران و ادّعای باطل کنندگان آن بکوشیم و کسانی را که از دین برگردند (مرتدّین)، قصاص کنیم و اهانت و سبک شمردن دین و شبهات منکران را دفع و ردّ نماییم و در ترویج و نشر احکام دین تلاش کنیم و در بیان حلال و حرام دین سعی بلیغ نموده، در امر به معروف و نهی از منکر مسامحه نکنیم»²⁶.

3. غیرت منفی و زیانبار

می توان غیرت را به دو بخش مثبت و منفی تقسیم کرد. غیرت مثبت، یعنی استفاده و بهره برداری صحیح از این صفت ارزشمند؛ اما غیرت منفی، آن است که انسان غیرتش را در جاهایی که نیاز نیست، به کار گیرد؛ مثلاً شخصی زن و فرزندش را به سبب سوءظن و بدگمانی تحت فشار قرار دهد و این عمل خود را غیرت بنامد. نباید از یاد برد که افراط و تفریط در هرکاری، ناپسند و ناکارآمد است و چه بسا نتیجه معکوس در پی داشته باشد. از این رو، برخی از روایات، حسّاسیت، سوءظن و غیرت بیجا را محکوم و ناپسند دانسته اند که از جمله می توان به روایات زیر اشاره داشت:

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مِنْ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ مِنْهَا مَا يَكْرَهُ اللَّهُ، فَأَمَّا مَا يُحِبُّ

فَالْغَيْرَةُ فِي الرَّبِّيَّةِ وَ أَمَّا مَا يَكْرَهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ الرَّبِّيَّةِ²⁷؛ غیرتی وجود دارد که خدا دوست دارد، و غیرتی نیز هست که دوست ندارد. غیرتی که خدا آن را دوست دارد، غیرت در ریه و شک است؛ و غیرتی که دوست ندارد، غیرت نشان دادن در جایی است که ریه و شک وجود نداشته باشد».

نتیجه رواج بی غیرتی

غیرت، حکم سیستم دفاعی بدن را دارد که هرگاه به عللی از بین برود، دین و دیانت با تمام ارزش هایش آسیب جدی می بیند؛ زیرا بی غیرتی و بی تفاوتی در برابر بدعتگزاران و کسانی که در صدد مخدوش ساختن فرهنگ دینی هستند، زمینه جرئت و جسارت به گناه را بیشتر می کند و موجب زدودن ارزش ها در سطح جامعه می شود. امام صادق علیه السلام از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت خطاب به مردم فرمود: «چه می کنید زمانی که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده باشید؟»

سؤال شد: یا رسول الله! آیا چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: «آری، بلکه بدتر نیز خواهد شد.» سپس فرمود: «چه خواهید کرد آن گاه که امر به منکر کنید و نهی از معروف؟» سؤال شد: آیا چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: «بله، بدتر از آن هم خواهد شد.» و سپس پرسید: «چه می کنید آن گاه که معروف را منکر و منکر را معروف بدانید؟»²⁸

ناگفته پیداست که متأسفانه، امروز به سبب رواج بی تفاوتی ها و بی غیرتی ها، برخی از ارزش ها وارونه شده اند. حجاب و عفاف از هر سو، مورد هجوم قرار می گیرد و غیرت و تعصب دینی و ناموسی، خشونت و بربریت محسوب می شود. بسیاری از فسادها و گناهان، رونق یافته اند و آشکارا انجام می شوند. نه تنها برخی افراد از رونق و گرمی بازار گناهان ناراحت نمی شوند، که بسیاری از فاسدان و بدعتگزاران، تشویق و ترغیب نیز می شوند!

زمینه بی غیرتی

وقتی افراد با دیدن رنگ باختن ارزش ها و حاکم شدن ضد ارزش ها، جمله هایی چون: «به من ربطی ندارد، وظیفه من نیست، من چه کاره ام و...» را بر زبان می آورند؛ اگر جامعه، به چنین سرنوشتی دچار شود، فرجام نامبارکی در انتظار آن خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله رواج بی دینی را مهم ترین بلا و مصیبتی می داند که به سراغ این گونه جوامع می آید. آن حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ وَ مَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ²⁹؛ به راستی که خداوند به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، بغض می ورزد. گفته شد: مؤمن ضعیفی که دین ندارد، کیست؟ فرمود: کسی که نهی از منکر نمی کند».

فرجام بی غیرتی

1. مورد غضب خدا قرار گرفتن

از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ مَنْ يُدْخِلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُفَاتِلُ³⁰؛ همانا خداوند مبغوض می دارد آن کسی را که بیگانه ای {با زور} وارد خانه اش شود و او با آن بیگانه نجنبد».

دچار خشم خداوند شدن، آثار نامطلوب اخروی و دنیوی دارد و می تواند انسان را دچار سوء عاقبت کند و او را برای همیشه از سعادت محروم سازد.

2. لعن و قتل بی غیرت

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردانی را که به عفت و پاکی دختران و همسرانشان بی تفاوت اند، «دییوث» نامیده و آن را لعن کرده و قتل آنان را روا داشته است: «لَعَنَ النَّبِيُّ الْمُتَغَابِلُ عَنْ زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الدِّيُوثُ وَ قَالَ اقْتُلُوا الدِّيُوثُ»³¹.

در حدیث دیگر، بعد از سوگند به خدای متعال، خاطر نشان شده است که: چند نفر، از جمله «دییوث»، به علت نداشتن غیرت وارد بهشت نمی شوند: «... و لا دیوث و هُوَ الَّذِي لَا يُغَار...»³².

3. نوید آتش جهنم

طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها افراد بی غیرت به بهشت نمی روند، بلکه حتی بوی آن به مشامشان نمی رسد: «إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةٍ عَامٍ؛ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌّ وَ لَا دِيُوثٌ»³³؛ همانا بوی خوش بهشت، از فاصله پانصد سال به مشام می رسد، ولی به مشام عاق والدین و دیوث نمی رسد.

4. رفتار خصمانه با بی غیرتان

با نگاهی به روایات مربوط به بی غیرتی، درمی یابیم که این صفت رذیله، چنان مورد خشم و انزجار پیشوایان معصوم بوده که برخی از آن بزرگواران، فرمان جنگ و ستیز با بی غیرتان را صادر کرده اند. این سخن قاطعانه و انعطاف ناپذیر رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از همین روایات نورانی است: «جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يُغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ»³⁴؛ خدای متعال بینی کسی را که (به حریم خویش) غیرت نورزد، قطع می کند و نیز فرمود: «... وَ ارْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يُغَارُ»³⁵؛ و خداوند بینی بی غیرت را به خاک می مالد.

راستی، برخورد چنین قاطعانه با بی غیرتان، به چه دلیل است؟ راز این خشم مقدس و رفتار قاطعانه، این است که وقتی کسی دچار بی غیرتی شد، دارای صفات منفی و نابخشودنی می شود و بهترین راه اصلاح چنین فردی، ستیز با او است؛ زیرا چنین کسی با در پیش گرفتن بی غیرتی، سبب خشم خدای متعال را فراهم کرده است.

درمان بی غیرتی

بی غیرتی و بی تفاوتی، در واقع نوعی بیماری روحی و روانی است که مانند دیگر امراض، قابل درمان است. شکوفاسازی غیرت، بهترین نسخه درمان این بیماری است. افراد بی غیرت با تمرین و آگاهی، می توانند به شکوفاسازی غیرت از دست رفته خویش بپردازند. در حکایت زیر، ملاحظه می کنید که چگونه رسول خدا، غیرت جوان عرب را بر می انگیزد:

جوانی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! آیا به من اجازه می دهید، زنا کنم؟ با گفتن این سخن، فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله با خونسردی و ملایمت فرمود: نزدیک بیا. جوان نزدیک تر آمد و در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. حضرت با محبت از او پرسید: آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟ گفت: نه، فدایت شوم! پیامبر صلی الله علیه و آله

ادامه داد: همین طور مردم نیز راضی نیستند با مادرشان چنین شود. آن گاه حضرت فرمود: آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ جوان گفت: نه، فدایت شوم! حضرت فرمود: همین گونه مردم درباره دخترانشان راضی نیستند. سپس حضرت از جوان پرسید: آیا این کار را برای خواهرت می پسندی؟ جوان مجدداً انکار کرد. جوان در حالی که شدیداً از سؤال خود پشیمان شده بود، از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست تا در حقش دعا کند. آن حضرت دست بر سینه او گذاشت و چنین دعا کرد:

«خدایا! قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامن او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار».

می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله با تحریک و شکوفاسازی غیرت آن جوان، او را از عمل زشت پشیمان ساخت؛ به نحوی که از آن پس، منفورترین کار در نزد آن جوان «زنا» بود. 36

پیامبر و ردّ تساهل و تسامح

شاید برخی بپرسند: آیا بهتر نیست گناه افراد بی غیرت را نادیده بگیریم و با آنان به گونه محبت آمیز رفتار کنیم؟ به عبارت دیگر، چرا در برخورد با آنها از شیوه تساهل و تسامح استفاده نمی کنیم؟ در این مورد به گستردگی، شأنیّت و پیام گناه باید توجه کرد. برخی گناهان فردی که از روی جهل، خطا، نسیان و... انجام می شود، قابل عفو و گذشتن است. از گناهان بزرگ تر نیز در مرحله اول می توان با تساهل و تسامح برخورد کرد، اما با گناهی که همه جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد و دیگران را به سوی خود می کشاند و یا کلیت دین و نظام را تهدید می کند، چگونه می توان با تسامح و تساهل از کنار آن گذشت؟ شایسته است در این زمینه نیز گذری بر کلام و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله با اهل کفر، نفاق و بدعتگزاران، به شیوه تساهل و تسامح رفتار نمی کرد. احتجاجاتی که از آن حضرت به دست ما رسیده، گویای این انعطاف ناپذیری است. به این نمونه توجه کنید:

جمعی از نمایندگان قبیله ثقیف، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: با سه شرط با شما بیعت می کنیم: نماز نخوانیم، بت هایمان را با دست خود نشکنیم، و اجازه دهید تا یک سال بت لات را عبادت کنیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دینی که در آن رکوع و سجود نباشد، به کار نمی آید. اما اگر شما شکستن بت ها را با دست خودتان دوست ندارید، ما این کار را انجام می دهیم. در مورد عبادت بت لات نیز هرگز چنین اجازه ای به شما نمی دهم.» 37

پی نوشت ها :

1. اَلْغَيْرَةُ نَفَرَةٌ طَبِيعِيَّةٌ تَكُونُ عَنْ بُحْلِ مُشَارِكَةِ الْغَيْرِ فِي أَمْرِ مَحْبُوبٍ لَهُ (ر.ک: مجمع البحرين، ج 3، ص 432).
2. معراج السعاده، ص 164.
3. تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج 4، ص 280.
4. همان، ص 674 (با اندکی تغییر).
5. ما زَنَى غَيُورٌ قَطُّ (ر.ک: غررالحکم و دررالکلم، ص 259، ح 5534؛ مستدرک الوسائل، ج 14، ص 331).
6. مسئله حجاب، ص 64.

7. همان، ص 62.
8. ثمرة الشجاعة الغيرة، (ر.ک: غررالحکم و دررالکلم، ص 259، ح 5527).
9. معراج السعادة، ص 163 و 164.
10. ترجمه تفسیر المیزان، ج 4، ص 674.
11. مسئله حجاب، ص 64.
12. وسائل الشیعه، ج 20، ص 154، ح 25288.
13. المحجة البيضاء، ج 5، ص 303.
14. خصال، شیخ صدوق، ج 1، ص 313.
15. فروغ ابدیت، ج 1، ص 184؛ سیره رسول خدا، رسول جعفریان، ج 1، ص 169.
16. سیره رسول خدا، ج 1، ص 503.
17. سقیفه، علامه سید مرتضی عسکری، ص 156.
18. وسائل الشیعه، ج 20، ص 154، ح 25289.
19. مستدرک الوسائل، ج 14، ص 234؛ بحارالانوار، ج 68، ص 342. در بعضی منابع به جای کلمه «التَّفَاق» واژه «الجَفَاء» آمده است. (ر.ک: بحارالانوار، ج 100، ص 250، ح 44).
20. کنز العمال، ج 3، ص 386، ح 7070.
21. سفينة البحار، ج 1، ص 63.
22. اصول کافی، ج 2، ص 216.
23. المحجة البيضاء، ج 5، ص 303.
24. غررالحکم و دررالکلم، ص 69، ح 981.
25. اصول کافی، ج 5، ص 59، ح 10؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 144، ح 21194.
26. علم اخلاق اسلامی، ج 1، ص 325.
27. کنز العمال، ج 3، ص 385، ح 7067.
28. بحارالانوار، ج 97، ص 74، ح 14.
29. وسائل الشیعه، ج 16، ص 122.
30. مستدرک الوسائل، ج 11، ص 99.
31. بحارالانوار، ج 76، ص 116.
32. همان.
33. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 444.
34. وسائل الشیعه، ج 20، ص 237، ح 25525؛ اصول کافی، ج 5، ص 536، ح 4.
35. بحارالانوار، ج 100، ص 248، ح 33.
36. تفسیر نمونه، ج 3، ص 42، به نقل از تفسیر المنار.
37. غیرتمندی و آسیب ها، محمود اکبری، ص 60، به نقل از رسالت خواص، سید احمد خاتمی، ص 137.